

یانچو، سینماگر فرمالیستی بود که بین فرم سینمایی آفارش و درونمایه آنها، پیوندی ناگسستنی وجود داشت. او استاد زیبایی شناسی و فرم در سینما بود و منتقدان و فیلم شناسان، او را در رده فیلمسازانی مثل میکال آنجلو آنتونونی و اینگمار برگمان قرار می دهند. فیلم های یانچو، از نظر درونمایه، بسیار عمیق و متفکرانه و از نظر بصری بسیار زیبا، خیره کننده و خیال انگیزند. سینمای یانچو، روایت های حماسی و آیینی او از خشونت، ستم، تحقیر و سرکوب در پهنه تاریخ معاصر مجارستان اند. سبک سینمایی یانچو، در برداشتهای بلند (فیلم های الکترا و بادهای زمستانی او تنها از ۱۲ نما تشکیل شده اند)، استفاده از پرده عریض، حرکت های پیچیده و موزون دوربین، کورئوگرافی صحنه ها، میزانشن های پیچیده از گروه بازیگران و حرکت های موزون و باله وار آنها در فضاهای طبیعی خالی و لخت مثل دشت، نمایش زنان به عنوان شکل های سادیستی تحقیر، سرکوب و خشونت خلاصه می شود. سبکی که ارتباطی تنگاتنگ و جدانشدنی با اندیشه های سیاسی و دیدگاه های مارکسیستی یانچو دارد.

فیلم های یانچو به شکل ارگانیکی با تاریخ مجارستان در پیوند است و بیانگر رویکرد انتزاعی، آیینی و نمایشی او به این تاریخ اند، تاریخی پر فراز و نشیب از ملتی که بارها سرکوب شده، گاهی مقاومت کرده و گاه به حقارت و ذلت تن داده است.

### استعاره ای از سرکوبگر و سرکوب شونده

یکی از درونمایه های اصلی فیلم های یانچو، نقد او از قدرت و استفاده از نظامی گری، ارتش و زور برای سرکوب و سلطه بر زیردستان است. فیلم های اولیه او اگرچه به موضوع های تاریخی پیش از کمونیسم می پردازند اما می توان آنها را تمثیلی از نظام سلطه گر کمونیستی حاکم بر مجارستان و نیز تجاوز ارتش سرخ شوروی به این کشور دانست. این فیلم ها، به ویژه کارهای اولیه او، عمدتاً ضد قهرمانانه و فاقد شخصیت های محوری اند و به رابطه گروهی سلطه گرها و سلطه پذیرها می پردازند. فیلم های یانچو در واقع، تحلیل تاریخ مجارستان و تبارشناسی سرکوب، تجاوز و تحقیر در این کشورند، استعاره هایی درباره رابطه دیالکتیکی بین سرکوب گر و سرکوب شونده.

سینمای حماسی یانچو، آگاهانه با حذف همه عناصر جذاب و احساسی مثل عنصر قهرمان و موسیقی حماسی همچنان انگیز از نمونه های هالیوودی این نوع سینما فاصله می گیرد. برداشتهای بلند یانچو و حرکت های پیچیده دوربین او که غالباً بر روی کرین های عظیم قرار دارد، بیانگر تأثیرپذیری او از سینمای آنتونونی است.

به گفته دیوید بوردول، نظریه پرداز فیلم آمریکایی، یانچو از شیوه مونتاژ سنتی شوروی سابق، ایده قهرمان جمعی را گرفت اما از آن در جهت تهی سازی درام استفاده کرد. به اعتقاد



یانچو، سینماگر فرمالیست؛

## کارگردان محبوب مجارستان

میکلوش یانچو، سینماگر برجسته مجارستانی است که آفارش پلی بین دوران کمونیستی پس از جنگ جهانی و بحران بازار آزاد پس از فرو افتادن پرده آهنین در سال ۱۹۸۹ بود. تا اندکی پیش از درگذشتش در عرصه سینما فعال بود. فیلم های اولیه وی با استفاده غنی از رنگ، حرکات موزون باله ای، سیاست و ترانه های فولکلور، مخاطب را به دوران سخت کمونیستی مجارستان می برد. در سال های اخیر او با فیلمسازان و گروه های جوان تر بر روی پروژه هایی چون فیلم «فانوس خداوند در بوداپست» کار کرده بود. این فیلم محصول سال ۱۹۹۹ وی است. بلا تار کارگردان مجار نیز از این کارگردان فقید با این عبارت یاد کرد: او بزرگترین فیلمساز مجارستان و نابغه این سینما برای همه دوران بود. در این گزارش به بررسی سینمای یانچو می پردازیم.